Rasanch \ A Quarterly Journal of Media Studies and Research
http//qjmn.farhang.gov.ir DOI: 10.22034/bmsp.2025.508250.2129
Research paper Received: 22/2/2025
Vol. 37, No. 2, Summer 2026, Issue 4 Accepted: 4/3/2026

Future Scenarios for Content Governance in Iran's Cyberspace Horizon of 1415 (2036–2037)

Mahmoudreza Rahbar qazi: Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Literature and Humanities, University of Mohaghegh Ardabili (Corresponding Author), Ardabil, Iran.
email: m.rahbarqazi@uma.ac.ir
Maryam Ghorbani: PhD Student in Political Science, Faculty of Social Sciences, University of Ottawa, Ottawa, Canada. **email:** mghor019@uottawa.ca

This study analyzes content governance in Iran's cyberspace, an issue that has emerged as one of the principal challenges of public policymaking in recent decades. The significance of this topic lies in establishing an appropriate balance between freedom of expression, cybersecurity, and economic development, particularly within the increasingly complex and rapidly evolving digital environment. Accordingly, this research seeks to identify existing challenges and opportunities while forecasting possible future trajectories in order to provide policymakers with a comprehensive analytical perspective.
The study adopts Schwartz's scenario planning methodology, which enables systematic analysis of uncertainties and the development of multiple alternative future scenarios.
Data were collected through document analysis and semi-structured interviews with 11 academic experts. Subsequently, key factors, driving forces, and associated implications were identified and analyzed.
The findings resulted in the development of four governance scenarios:

- Centralized and Restrictive Governance
- Open and Democratic Governance
- Modern Governance
- Hybrid Governance

These scenarios were evaluated across social, cultural, economic, and political dimensions, and the implications of each scenario were examined at multiple levels.

Keywords: Cyberspace Content Governance, Scenario Planning, Driving Forces, Uncertainty, Governance Implications.

How to cite this paper: Rahbarqazi, M. R., Ghorbani, M. (2026). Future Scenarios for Content Governance in Iran's Cyberspace Horizon of 1415 (2036–2037). *Rasaneh*, 37(2), 61-81. **[In persian]**

رسانه / فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی
Rasanch
نوع مقاله: پژوهشی
DOI: 10.22034/bmsp.2025.508250.2129
http//qjmn.farhang.gov.ir
Vol. 37, No. 2, Summer 2026, Issue 4

سناریوهای آیندهٔ حکمرانی محتوا در فضای مجازی ایران در افق ۱۴۱۵

نوشتهٔ
محمودرضا رهبرقاضی*
مریم قربانی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۳

چکیده

این پژوهش به تحلیل حکمرانی محتوای فضای مجازی در ایران می‌پردازد که به‌عنوان یکی از چالش‌های اصلی سیاست‌گذاری عمومی در دهه‌های اخیر شناخته می‌شود. اهمیت این موضوع در ایجاد تعادل میان آزادی بیان، امنیت سایبری و توسعهٔ اقتصادی، به‌ویژه در شرایط پیچیده و متغیر فضای دیجیتال است. در این راستا، این پژوهش با هدف شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های موجود و پیش‌بینی مسیرهای احتمالی آینده، تلاش دارد تا دیدگاه جامعی برای سیاست‌گذاران ارائه دهد. روش مطالعه مبتنی‌بر سناریونویسی شوارتز است که امکان تحلیل عدم قطعیت‌ها و تدوین سناریوهای مختلف را فراهم می‌کند. داده‌ها از طریق فیش‌برداری و مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته با ۱۱ نفر از خبرگان دانشگاهی گردآوری شده‌اند و سپس عوامل کلیدی، نیروهای پیشران و پیامدهای مرتبط شناسایی و بررسی شده‌اند. یافته‌های پژوهش شامل چهار سناریوی حکمرانی متمرکز و سخت‌گیرانه، باز و دموکراتیک، مدرن و مختلط است. این سناریوها از جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند و پیامدهای هر یک در سطوح مختلف بررسی شده است.

کلیدواژه: حکمرانی محتوای فضای مجازی، سناریونویسی، نیروهای پیشران، عدم قطعیت، پیامدهای حکمرانی.

* دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات وعلوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول)، اردبیل، ایران
m.rahbarqazi@uma.ac.ir

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده جامعه‌شناسی، دانشگاه اوتاوا، اوتاوا، کانادا
mghor019@uottawa.ca

نحوهٔ استناد به این مقاله: رهبرقاضی، محمودرضا و قربانی، مریم (۱۴۰۵). سناریوهای آیندهٔ حکمرانی محتوا در فضای مجازی ایران در افق ۱۴۱۵. رسانه، ۳۷(۲)، ۶۱-۸۱.

مقدمه

حکمرانی محتوای فضای مجازی در ایران به‌عنوان یک مقولهٔ کلیدی در سیاست‌گذاری عمومی و حاکمیت، ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در بر می‌گیرد و نقش بی‌بدیلی در شکل‌دهی به روندهای اجتماعی و فرهنگی ایفا می‌کند (فیروزآبادی و احمدآبادی، ۱۳۹۹). فضای مجازی امروزه نه‌تنها به‌عنوان ابزاری برای ارتباطات فردی و اجتماعی عمل می‌کند، بلکه به بستر اصلی تحولات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تبدیل شده است که نه‌تنها نحوهٔ ارتباطات مردم را تغییر داده، بلکه قدرت‌های جهانی را در تعاملات و رقابت‌های سیاسی و اقتصادی دگرگون کرده است. در ایران، این فضای مجازی با ویژگی‌هایی همچون محدودیت‌های قانونی، فیلترینگ، نظارت‌های دولتی و چالش‌های امنیتی روبه‌رو است که آن را از بسیاری کشورهای دیگر متمایز می‌کند و به ایجاد یک فضای پیچیده و چندلایه برای کاربران و مسئولان می‌انجامد (سعد، ۱۳۹۴). این چالش‌ها باعث شده‌اند که حکمرانی محتوای فضای مجازی در ایران به امری حساس و پیچیده تبدیل شود که نیازمند توجه ویژه و طراحی سیاست‌های دقیق در زمینه‌های مختلف باشد. افزون بر این، تحولات جهانی و تحولات داخلی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز به‌طور مستقیم بر نحوهٔ شکل‌گیری و مدیریت محتوای فضای مجازی در کشور تأثیرگذار بوده‌اند و این امر موجب شده که حکمرانی فضای مجازی در ایران به یکی از مهم‌ترین مسائل روز تبدیل شود که درک و تحلیل آن برای طراحی سیاست‌های کارآمد در این حوزه امری ضروری باشد.

در این پژوهش، هدف اصلی شناسایی و تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های حکمرانی محتوای فضای مجازی در ایران است. با توجه به گسترش روزافزون استفاده از فضای مجازی و تأثیرات عمیق آن بر جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، این پژوهش سعی دارد ابعاد مختلف حکمرانی محتوا را در این فضا بررسی و تبیین کند. بنابراین، هدف اصلی در این سناریونویسی، این است که با توجه به نیروهای داخلی و خارجی، تغییرات اجتماعی و فرهنگی، سیاست‌های دولتی و واکنش‌های عمومی به این سیاست‌ها، مسیرهای مختلف حکمرانی محتوای فضای مجازی در ایران شناسایی شود. بنابراین، سؤال‌های این پژوهش که به تحلیل حکمرانی محتوای فضای مجازی در ایران می‌پردازد، به شناسایی نیروهای کلیدی، نیروهای پیشران، طبقه‌بندی نیروها براساس اهمیت و عدم قطعیت، انتخاب منطقی سناریوها، پربارکردن سناریوها، شناسایی پیامدها و انتخاب شاخص‌ها و علائم راهنما متمرکز است. انتظار می‌رود که این سؤال‌ها به تحلیل جامع و شناخت ابعاد مختلف حکمرانی محتوا در فضای مجازی ایران و ارزیابی سناریوهای مختلف کمک کنند.

پیشینهٔ نظری پژوهش

حکمرانی فضای مجازی به‌عنوان یکی از چالش‌های اصلی قرن بیست‌ویکم، موضوعی است که نظریه‌پردازان متعددی از حوزه‌های مختلف به تحلیل آن پرداخته‌اند. این حوزه با درهم‌تنیدگی فنـاوری، سیاسـت، اقتصاد و جامعـه، ابعاد پیچیده‌ای به خود گرفته اسـت و اندیشـمندان با رویکردهای گوناگون، از قدرت نرم و سرمایه‌داری نظارتی گرفته تا جامعهٔ شبکه‌ای و معماری دیجیتال، تلاش کرده‌اند چارچوب‌های نظری مناسبی برای فهم حکمرانی فضای مجازی ارائه دهند. در این راستا، بررسی دیدگاه‌های آنان می‌تواند مسیرهای جدیدی برای مدیریت این فضا و حفظ تعادل میان آزادی، امنیت و عدالت ترسیم کند.

نخستین دسـته از نظریات مربوط به حکمرانی فضای مجازی، حکمرانی و سیاست‌گذاری جهانی اینترنت اسـت. در این راسـتا، جـوزف نای[1] (۲۰۰۹)، حکمرانی فضـای مجازی را در چارچـوب مفهـوم قدرت نرم و حاکمیت چندذی‌نفعی تحلیل می‌کند و معتقد اسـت که فضای مجازی به‌عنوان یک حوزهٔ جدید قدرت، نیازمند همکاری بین دولت‌ها، شـرکت‌های فناوری و نهادهای مدنی اسـت. نای بر اهمیت تنظیم قوانین جهانی برای حفظ امنیت سـایبری، مدیریت تضادهـا و ارتقـای اعتماد تأکید دارد و معتقد اسـت که قدرت نرم (ماننـد ارزش‌ها، فرهنگ و اعتبار) در فضای مجازی نقشـی کلیدی دارد. او همچنین بیان می‌کند که قدرت در جهان بدون سـیم عبارت است از عصری که در آن اطلاعات با بهره‌گیری از عقاید و دانایی جوامع به‌منظور اعمال در تأثیرات بین‌المللی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد (خرازی‌آذر، ۱۳۹۳). همچنین، مولر[2] (۲۰۱۰)، بر اهمیت مدل حکمرانی چند ذی‌نفعی تأکید دارد و معتقد اسـت که حکمرانی فضای مجازی نباید تنها به دولت‌ها محدود شود، بلکه باید شرکت‌های فناوری، سازمان‌های بین‌المللی، جامعهٔ مدنی و کاربران نیز در فرایند تصمیم‌گیری مشارکت داشته باشند. مولر بر این باور است که حکمرانی اینترنت باید به‌گونه‌ای طراحی شـود که توزیع قدرت و دسترسی به منابع دیجیتال را عادلانـه تضمیـن کند و هم‌زمان از حقوق و آزادی‌های کاربران در برابر سوءاسـتفاده قدرت محافظت کند. او همچنیـن به پیچیدگی‌ها و چالش‌های ایجاد یک نظام حکمرانی جهانی برای اینترنت اشاره کرده و آن را به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مباحث قرن بیست‌ویکم معرفی می‌کند.

دسـتهٔ دوم نظریـات، دیدگاه‌های مربوط بـه حقوق و قانون‌گذاری دیجیتال اسـت. در این راسـتا، لسـینگ[3] (۲۰۱۶)، حکمرانی فضای مجازی را از منظر قانون، کـد و معماری دیجیتال تحلیل می‌کند و اسـتدلال می‌کند که اینترنت به‌عنوان یک فضـای جدید اجتماعی و اقتصادی، تحت‌تأثیر چهار نیروی اصلی قرار دارد: قانون (تنظیم مقررات توسـط دولت‌ها)، کد یا معماری (ساختارهای فنی و نرم‌افزاری)، بازار (محرک‌های اقتصادی) و هنجارها (فرهنگ و ارزش‌های

1. Nye
2. Mueller
3. Lessig

اجتماعی). لسینگ بر نقش کدها یا همان معماری دیجیتال تأکید ویژه‌ای دارد و آن را به‌عنوان یک ابزار کلیدی برای کنترل و حکمرانی در فضای مجازی معرفی می‌کند و هشدار می‌دهد که طراحی کدها می‌تواند آزادی یا محدودیت کاربران را تعیین کند و به همین دلیل او بر ضرورت شفافیت و نظارت دموکراتیک بر این فرایند پافشاری می‌کند. به اعتقاد او، تنظیم تعادل میان آزادی و کنترل در اینترنت، نیازمند همکاری مؤثر بین دولت‌ها، شرکت‌ها و جامعهٔ مدنی است. از سوی دیگر، در همین راستا، یوشای بنکلر، بر اهمیت مدل‌های مشارکتی و غیرمتمرکز در حکمرانی اینترنت تأکید دارد. او در آثار خود به بررسی نقش شبکه‌های همتابه‌همتا و تولید اشتراکی مبتنی‌بر همکاری در ایجاد یک حکمرانی دیجیتال باز و دموکراتیک می‌پردازد. از طرف دیگر، بنکلر[1] (۲۰۰۶) معتقد است که اینترنت فرصتی برای کاهش تمرکز قدرت در دست دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ فراهم کرده و به کاربران اجازه می‌دهد تا در فرایند تولید دانش، اطلاعات و نوآوری مشارکت کنند. او بر اهمیت دسترسی آزاد به اطلاعات و مقاومت در برابر انحصارگرایی دیجیتال تأکید دارد و مدل‌هایی مانند ویکی‌پدیا و نرم‌افزارهای متن‌باز را به‌عنوان نمونه‌هایی از حکمرانی غیرمتمرکز موفق معرفی می‌کند. بنابراین، بنکلر به‌ویژه بر این نکته تأکید دارد که حکمرانی دیجیتال باید به‌گونه‌ای طراحی شود که خلاقیت و آزادی کاربران حفظ شود.

دستهٔ سوم نظریات مربوط به حوزهٔ اقتصاد دیجیتال و حکمرانی فناوری است. در این راستا، زوبوف[2] (۲۰۱۹)، نظریه‌پرداز برجستهٔ حکمرانی فضای مجازی، مفهوم سرمایه‌داری نظارتی را مطرح می‌کند که نشان‌دهندهٔ تأثیر فناوری‌های دیجیتال بر حکمرانی، اقتصاد و جامعه است. او استدلال می‌کند که شرکت‌های بزرگ فناوری مانند گوگل و فیس‌بوک از داده‌های کاربران برای پیش‌بینی و شکل‌دهی به رفتارهای آینده استفاده می‌کنند و از این طریق قدرتی بی‌سابقه در حکمرانی فضای مجازی به‌دست آورده‌اند. زوبوف هشدار می‌دهد که این مدل حکمرانی به تضعیف حریم خصوصی، آزادی‌های فردی و دموکراسی منجر می‌شود. او برضرورت ایجاد چارچوب‌های قانونی و اخلاقی جدید برای محدودکردن قدرت شرکت‌های فناوری و بازگرداندن کنترل داده‌ها به کاربران تأکید دارد. به اعتقاد او، حکمرانی فضای مجازی باید بر پایهٔ شفافیت، پاسخ‌گویی و حقوق بشر بنا شود تا از تبدیل‌شدن اینترنت به ابزاری برای نظارت و کنترل جلوگیری شود. همچنین، کار[3] (۲۰۲۰)، نظریه‌پرداز فناوری و فضای مجازی، بر تأثیرات فناوری‌های دیجیتال بر تفکر، رفتار و ساختارهای حکمرانی تأکید دارد. او در آثار خود، به نقد نقش فناوری‌های دیجیتال در کاهش عمق تفکر و تمرکز افراد می‌پردازد. از نظر او، اینترنت به‌جای تقویت دانش و آزادی، گاهی منجر به ایجاد سطحی‌نگری وابستگی به اطلاعات سریع و تغییر در الگوهای تصمیم‌گیری می‌شود. کار هشدار می‌دهد که مدل‌های

1. Benkler
2. Zuboff
3. Carr

حکمرانی فضای مجازی که تنها بر کارایی و سودآوری متمرکز هستند، ممکن است به کاهش کیفیت تفکر و تعاملات انسانی منجر شوند. او بر اهمیت ایجاد ساختارهای حکمرانی متوازن تأکید دارد که بتوانند تأثیرات منفی فناوری را مدیریت کرده و از سلامت ذهنی و فرهنگی جوامع در مواجهه با فضای مجازی حمایت کنند.

سرانجام دستهٔ چهارم نظریات، دیدگاه‌های تأثیرات اجتماعی و جامعه‌شناسی فضای مجازی است. در این زمینه، مانوئل کاستلز[1] (۲۰۱۱)، حکمرانی فضای مجازی را در چارچوب جامعهٔ شبکه‌ای تحلیل می‌کند و معتقد است که فضای مجازی با ایجاد شبکه‌های جهانی اطلاعات و ارتباطات، شکل جدیدی از قدرت و حکمرانی را به‌وجود آورده است که مبتنی‌بر کنترل جریان اطلاعات است. کاستلز بر این باور است که در جامعهٔ شبکه‌ای، قدرت دیگر در انحصار دولت‌ها نیست، بلکه میان بازیگران متعددی مانند شرکت‌های فناوری، رسانه‌ها و جامعهٔ مدنی توزیع شده است. وی همچنین تأکید می‌کند که حکمرانی در فضای مجازی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که تعادل میان کنترل و آزادی حفظ شود و امکان مشارکت گستردهٔ افراد و گروه‌ها در تصمیم‌گیری‌های کلان فراهم شود. کاستلز به تأثیر فضای مجازی بر سیاست، فرهنگ و اقتصاد جهانی پرداخته و استدلال می‌کند که سیاست‌گذاری رسانه‌ای از ایدئولوژی‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هر کشور و ارزش‌هایی ناشی می‌شود که زیربنای آن را تشکیل می‌دهند (قلی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۲). از سوی دیگر، باومن[2] (۲۰۱۳) حکمرانی فضای مجازی را از منظر "جامعهٔ مایع" تحلیل می‌کند و اعتقاد دارد که در دنیای مدرن مایع، که به‌سرعت در حال تغییر است و فضای مجازی به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی حکمرانی، موجب بی‌ثباتی و عدم قطعیت در روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌شود. باومن بر این باور است که فضای مجازی به‌ویژه در شرایطی که اطلاعات به‌طور بی‌وقفه در حال جریان هستند، قدرت را از دست دولت‌ها و نهادهای سنتی خارج کرده و به شرکت‌های فناوری و پلتفرم‌های دیجیتال منتقل می‌کند. این پدیده موجب می‌شود که هویت‌ها و ارتباطات فردی به‌شیوه‌های سیال و ناپایدار شکل بگیرند و در نتیجه، حکمرانی در فضای مجازی باید با چالش‌های جدیدی مانند نظارت مداوم، بی‌ثباتی هویت‌ها و تغییرات سریع همراه باشد.

روش پژوهش

این پژوهش، بنیادی است و تجزیه‌وتحلیل نتایج آن به‌صورت کیفی و با رویکرد آینده‌پژوهی انجام شده است. در این راستا، برای پیش‌بینی مسیرهای محتمل حکمرانی محتوای فضای مجازی در ایران از روش سناریونویسی بر مبنای رویکرد "عدم قطعیت‌های بحرانی" شوارتز[3]

1. Castells
2. Bauman
3. Schwartz

(۲۰۱۲) با افق زمانی میان‌مدت استفاده شد. در ادبیات آینده‌پژوهی، "پیشران‌ها" به نیروهای کلیدی‌ای اطلاق می‌شود که از ترکیب چند روند شکل می‌گیرند و موجب تغییرات اساسی در یک حوزه می‌شوند. این پیشران‌ها نه‌تنها آینده را توصیف می‌کنند. از سوی دیگر، "عدم قطعیت‌های کلیدی" عواملی هستند که پیش‌بینی آن‌ها دشوار اما تأثیرگذاری بالایی بر آینده دارند و به‌عنوان محور اصلی طراحی سناریوها در این پژوهش مورد توجه قرار گرفتند.

این پژوهش از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته برای گردآوری داده‌ها استفاده کرده است. در گام نخست، اطلاعات مورد نیاز از منابع کتابخانه‌ای، مقالات علمی معتبر، پایگاه‌های اینترنتی فارسی و انگلیسی و ابزار فیش‌برداری گردآوری شد. این داده‌ها شامل مفاهیم نظری، مطالعات پیشین و مستندات مرتبط با حکمرانی محتوای فضای مجازی بودند که به شناسایی اولیهٔ مفاهیم و روندهای اصلی به‌منظور مصاحبه کمک کردند. در گام دوم، مصاحبه‌ها در دو راند با ۱۱ نفر از خبرگان دانشگاهی انجام شد که دارای تخصص در حوزه‌های علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، فناوری ارتباطات و سیاست‌گذاری بودند. انتخاب خبرگان به‌روش نمونه‌گیری هدفمند و اشباع نظری انجام شد تا اطمینان حاصل شود که دیدگاه‌های ارائه‌شده با موضوع پژوهش مرتبط و از نظر تخصصی غنی باشد.

در راند نخست مصاحبه‌ها با هدف شناسایی نیروهای کلیدی، روندها و عوامل عدم قطعیت طراحی شد. سؤال‌های این مرحله به شناسایی محرک‌های اصلی و تغییرات احتمالی در حکمرانی محتوای فضای مجازی متمرکز بودند. داده‌های به‌دست‌آمده در این مرحله با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون طبقه‌بندی شدند و نیروهای کلیدی براساس دو معیار اهمیت و سطح عدم قطعیت اولویت‌بندی شدند. در راند دوم، سناریوهای اولیه که براساس یافته‌های راند نخست طراحی شده بودند، برای تکمیل و ارزیابی ارائه شدند. این مرحله شامل سؤال‌هایی دربارهٔ پیامدها، شاخص‌های تحقق و راهبردهای مرتبط با هر سناریو بود. داده‌های حاصل از این مرحله نیز با روش تحلیل مضمون مورد بررسی قرار گرفتند تا ابعاد و جزئیات هر سناریو شفاف‌تر شود. این فرایند گام‌به‌گام، امکان شناسایی و تحلیل جامع نیروهای تأثیرگذار، تدوین سناریوهای متنوع و ارزیابی پیامدهای احتمالی را فراهم ساخت و به تقویت دقت و اعتبار پژوهش منجر شد.

یافته‌های پژوهش

شناسایی نیروهای کلیدی در محیط نزدیک

بعد از شناسایی موضوع در گام نخست، در گام دوم سناریونویسی شوارتز (۲۰۱۲)، شناسایی نیروهای کلیدی در محیط نزدیک و شناسایی نیروهای پیشران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این نیروها عواملی هستند که می‌توانند تأثیرات مستقیمی بر روند حکمرانی محتوای فضای مجازی در ایران داشته باشند. نیروهای کلیدی در محیط نزدیک، عواملی هستند که

به‌طور مستقیم و در کوتاه‌مدت بر حکمرانی محتوای فضای مجازی تأثیر می‌گذارند و این نیروها در سطح میانه و در محیطی که تصمیم‌های اجرایی اتخاذ می‌شود، فعال هستند. در این راستا، عوامل کلیدی عبارتند از:

دولت و نهادهای نظارتی: دولت ایران و نهادهای نظارتی مانند وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، پلیس فتا، سازمان صداوسیما و شورای عالی فضای مجازی از جمله نیروهای کلیدی در حکمرانی فضای مجازی هستند که سیاست‌ها و قوانین آن‌ها به‌ویژه در زمینهٔ فیلترینگ، کنترل اطلاعات، نظارت بر تولید محتوا و شیوه‌های مدیریت فضای دیجیتال تأثیرگذار است.

پلتفرم‌ها و شرکت‌های فناوری: شرکت‌هایی مانند گوگل، فیس‌باک [فیس‌بوک]، توییتر و اینستاگرام در کنار پلتفرم‌های داخلی نظیر آپارات و فیلترشکن‌ها، نقش مهمی در حکمرانی محتوا ایفا می‌کنند و نحوهٔ تعامل دولت با این پلتفرم‌ها و قوانین خاصی که برای آن‌ها وضع می‌شود، به‌طور مستقیم بر جریان محتوا در فضای مجازی تأثیر می‌گذارد.

جامعهٔ مدنی و کاربران فضای مجازی: نهادهای اجتماعی، فرهنگی و گروه‌های مختلف فعال در فضای مجازی، از جمله فعالان حقوق بشر، روزنامه‌نگاران و کاربران معمولی، می‌توانند در شکل‌دهی به فضای محتوا و درک عمومی از آن مؤثر باشند و تغییرات در رفتار و واکنش‌های این گروه‌ها می‌تواند به‌سرعت تأثیرات جدیدی بر سیاست‌های حکمرانی بگذارد.

شناسایی نیروهای پیشران

گام سوم شوارتز (۲۰۱۲) به شناسایی نیروهای پیشران می‌پردازد؛ نیروهای پیشران عواملی هستند که به‌طور غیرمستقیم و در بلندمدت می‌توانند روند تغییرات را هدایت کرده و به‌طور مداوم بر حکمرانی محتوای فضای مجازی تأثیر بگذارند و این نیروها بیشتر در سطح کلان و جهانی تأثیرگذار هستند. عوامل پیشران در این پژوهش عبارت بودند از:

تحولات فناوری: پیشرفت‌های فناوری و نوآوری در حوزه‌هایی مانند هوش مصنوعی، بلاک‌چین و اینترنت می‌تواند به تغییرات عمده در نحوهٔ مدیریت و نظارت بر محتوا منجر شود. بر این اساس، استفاده از فناوری‌های جدید در ابزارهای فیلترینگ، شناسایی و حذف محتوای نامناسب و همچنین روش‌های جدید در تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از جمله نیروهای پیشران است.

جهانی‌شدن و تغییرات در روابط بین‌الملل: روندهای جهانی مانند جهانی‌شدن اطلاعات، تغییرات در روابط بین‌المللی و فشارهای بین‌المللی در زمینهٔ حقوق بشر و آزادی بیان می‌توانند بر سیاست‌های حکمرانی محتوای فضای مجازی در ایران تأثیر بگذارد [بگذارند]. برای نمونه، فشارهای جهانی برای تسهیل دسترسی آزاد به اطلاعات و مخالفت با سانسور می‌تواند منجر به تغییراتی درراهبردهای حکمرانی فضای مجازی شود.

تحولات اجتماعی و فرهنگی: تغییرات در نگرش‌ها و اولویت‌های فرهنگی، به‌ویژه در میان نسل جوان، می‌تواند به تغییرات مهمی در نحوهٔ تعامل کاربران با محتوا و سیاست‌های فضای مجازی منجر شود و چالش‌های جدید در زمینهٔ آزادی بیان، حقوق دیجیتال و فرهنگ سایبری می‌تواند به ایجاد فشارهایی برای تغییر در حکمرانی محتوای فضای مجازی منجر شود.

تحولات قانونی و حقوقی بین‌المللی: توافق‌های بین‌المللی در زمینهٔ قوانین دیجیتال، مقررات حریم خصوصی و حقوق کاربران فضای مجازی نیز به‌عنوان نیروهای پیشران قابل توجه هستند. به‌ویژه، تغییرات در قوانین اتحادیهٔ اروپا و ایالات متحدهٔ آمریکا و سایر نهادهای بین‌المللی، که ممکن است بر نحوهٔ تعامل ایران با این پلتفرم‌ها و رعایت استانداردهای جهانی تأثیر بگذارد، از نیروهای کلیدی پیشران به‌شمار می‌روند.

طبقه‌بندی نیروها براساس اهمیت و عدم قطعیت

در این پژوهش، عدم قطعیت‌ها به‌عنوان عواملی که پیش‌بینی دقیق آن‌ها دشوار است اما تأثیر قابل‌توجهی بر آیندهٔ حکمرانی محتوای فضای مجازی دارند، شناسایی شدند. این عدم قطعیت‌ها شامل دولت و نهادهای نظارتی، پلتفرم‌ها و شرکت‌های فناوری، جامعهٔ مدنی و کاربران فضای مجازی، تحولات فناورانه، جهانی‌شدن و تغییرات در روابط بین‌الملل، تحولات اجتماعی و فرهنگی و تحولات قانونی و حقوقی بین‌المللی هستند. فرایند شناسایی براساس دو معیار اهمیت و عدم قطعیت طبقه‌بندی شد. برای انتخاب این عدم قطعیت‌ها، از روش شوارتز (۲۰۱۲) استفاده شد که بر شناسایی نیروهای کلیدی و پیشران و تأثیرات بلندمدت آن‌ها تأکید دارد (سنجیده شده است).

جدول ۱. طبقه‌بندی نیروها براساس اهمیت و عدم قطعیت

نیروها / عوامل	اهمیت	عدم قطعیت
دولت و نهادهای نظارتی	بسیار بالا	متوسط تا بالا
پلتفرم‌ها و شرکت‌های فناوری	بالا	بالا
جامعهٔ مدنی و کاربران فضای مجازی	متوسط تا بالا	متوسط
تحولات فناورانه	بسیار بالا	بسیار بالا
جهانی‌شدن و تغییرات در روابط بین‌الملل	بالا	متوسط تا بالا
تحولات اجتماعی و فرهنگی	بالا	متوسط
تحولات قانونی و حقوقی بین‌المللی	بالا	متوسط

در محیط نزدیک، دولت و نهادهای نظارتی از نیروهای کلیدی با اهمیت بسیار بالا هستند. این نهادها نقشی حیاتی در تصمیم‌گیری‌های کلیدی حکمرانی محتوا ایفا می‌کنند، اما با توجه به تغییرات مداوم در سیاست‌ها و تصمیم‌های داخلی، عدم قطعیت در این زمینه متوسط تا بالا ارزیابی می‌شود. پلتفرم‌ها و شرکت‌های فناوری نیز به‌دلیل تعامل مستقیم با دولت در زمینه‌هایی مانند فیلترینگ، نظارت و دسترسی به اطلاعات، از اهمیت بالایی برخوردارند اما با این حال، تغییرات مداوم در سیاست‌های این پلتفرم‌ها و توسعهٔ فناوری‌های جدید، سطح عدم قطعیت در این حوزه را نیز بالا برده است. همچنین، جامعهٔ مدنی و کاربران فضای مجازی، به‌ویژه در واکنش به سیاست‌های نظارتی و فیلترینگ، تأثیر متوسط تا بالایی دارند ولی با وجود این، تغییرات فرهنگی و اجتماعی، پیش‌بینی رفتارهای آیندهٔ کاربران را به چالشی جدی تبدیل کرده است.

در میان نیروهای پیشران، تحولات فناورانه بیشترین اهمیت را دارا است. پیشرفت‌های مداوم در زمینه‌هایی مانند هوش مصنوعی، بلاک‌چین و تحلیل داده‌ها، می‌تواند تحولات بنیادی در نحوهٔ مدیریت محتوا ایجاد کند، اما سرعت بالای نوآوری‌های فناوری، سطح عدم قطعیت این پیشران را نیز بسیار بالا برده است. جهانی‌شدن و تغییرات در روابط بین‌الملل نیز تأثیرات قابل‌توجهی بر سیاست‌های حکمرانی در ایران دارند، هرچند روند کلی این تغییرات تا حدی قابل‌پیش‌بینی است، اما پیچیدگی‌های روابط بین‌المللی پیش‌بینی جزئی‌تر را دشوار می‌کند. تحولات اجتماعی و فرهنگی نیز نقش مهمی در شکل‌دهی به‌نحوهٔ تعامل کاربران با فضای مجازی دارند؛ تغییرات نگرشی و فرهنگی می‌توانند تأثیرات عمیقی بر رفتار کاربران بگذارند، اما این تأثیرات با توجه به ظهور فناوری‌های جدید و چالش‌های فرهنگی همراه با عدم قطعیت است. در نهایت، تحولات قانونی و حقوقی بین‌المللی نیز به‌دلیل تأثیر مستقیم بر سیاست‌ها و تعاملات میان دولت‌ها و پلتفرم‌ها از اهمیت بالایی برخوردارند، اما با این حال، تغییرات جزئی و غیرقابل پیش‌بینی در این حوزه، پیش‌بینی دقیق روندها را دشوار می‌سازد.

انتخاب منطقی سناریوها

در گام پنجم سناریونویسی شوارتز (۲۰۱۲)، انتخاب منطقی سناریوها به معنای تدوین سناریوهایی است که براساس تحلیل‌های قبلی، ترکیبی از نیروهای کلیدی و پیشران‌های شناسایی‌شده و طبقه‌بندی آن‌ها براساس اهمیت و عدم قطعیت، در نظر گرفته می‌شوند. هدف از این گام، ایجاد سناریوهایی است که می‌توانند به پیش‌بینی مسیرهای مختلف حکمرانی محتوای فضای مجازی در ایران کمک کنند. در این راستا، پس از شناسایی نیروهای کلیدی و پیشران‌ها و ارزیابی اهمیت و عدم قطعیت آن‌ها، طراحی سناریوهایی که بیانگر تعاملات مختلف این نیروها در آینده باشد، ضرورت می‌یابد. برای این منظور، از دو متغیر اصلی بهره گرفته شده است: نخست، میزان کنترل یا مداخلهٔ دولت در حکمرانی فضای مجازی و دوم،

میزان تأثیرات جهانی و تحولات اجتماعی که بر فضای مجازی ایران اثرگذار هستند. این دو متغیر به شکل قابل‌توجهی، سناریوهای محتمل در زمینهٔ حکمرانی محتوای فضای مجازی را شکل می‌دهند. بر این اساس، سناریوهای احتمالی عبارتند از:

حکمرانی متمرکز و سخت‌گیرانه: در این سناریو، دولت ایران کنترل شدیدی بر فضای مجازی اعمال می‌کند و نظارت و فیلترینگ محتوا با استفاده از ابزارهای پیشرفته تشدید شده و محدودیت‌های گسترده‌ای بر پلتفرم‌های خارجی اعمال می‌شود. در چنین وضعیتی، فضای دیجیتال به‌طور عمده تحت‌تسلط نهادهای دولتی باقی می‌ماند و نیروهای اصلی در این سناریو شامل دولت و نهادهای نظارتی هستند و فشارهای بین‌المللی برای بهبود آزادی بیان نیز نقش محدودی دارند. با این حال، تحولات داخلی و جهانی می‌توانند به‌طور نسبی تغییراتی در این روند ایجاد کنند، که موجب عدم قطعیت متوسط در این سناریو می‌شود.

حکمرانی مدرن و تعامل با پلتفرم‌های جهانی: این سناریو تلاشی برای یافتن تعادلی میان کنترل داخلی و تعامل با پلتفرم‌های جهانی است. دولت، به‌جای ممانعت کامل، با شرکت‌های فناوری خارجی وارد مذاکره شده و از ابزارهایی نظیر همکاری‌های فناورانه و تنظیم مقررات جدید برای هدایت محتوا بهره می‌گیرد. سیاست‌های کنترل محتوا در این حالت هدفمندتر و انعطاف‌پذیرتر خواهند بود و نیروهای اصلی شامل پلتفرم‌ها و شرکت‌های فناوری، دولت و نهادهای نظارتی هستند. با وجود این، تغییرات سریع در سیاست‌های جهانی و فناوری، عدم قطعیت بالایی را در این سناریو ایجاد می‌کنند.

حکمرانی باز و دموکراتیک: در این سناریو، ایران به‌سمت فضای بازتر حرکت می‌کند، جایی که دولت نقش نظارتی کمتری ایفا کرده و آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات در اولویت قرار می‌گیرند. کاربران و شرکت‌های خصوصی مسئولیت اصلی در مدیریت محتوا را بر عهده می‌گیرند و دولت از دخالت مستقیم در این بخش فاصله می‌گیرد. نیروهای اصلی در این وضعیت، جامعهٔ مدنی، کاربران فضای مجازی و تحولات اجتماعی و فرهنگی هستند اما با این حال، تغییرات سریع اجتماعی و فشارهای بین‌المللی، عدم قطعیت بالایی را به این سناریو اضافه می‌کنند.

حکمرانی مختلط با استفاده از فناوری‌های نوین: در این رویکرد، ایران از فناوری‌های جدید مانند هوش مصنوعی و بلاک‌چین برای بهبود حکمرانی محتوای فضای مجازی بهره می‌گیرد و نظارت بر محتوا و تحلیل داده‌ها به‌شیوه‌ای هوشمندتر انجام می‌شود، اما نهادهای دولتی همچنان نقش فعالی دارند. این سناریو ترکیبی از ابزارهای دولتی و خصوصی است که استفاده از فناوری‌های نوین را با حفظ نظارت ممکن می‌سازد. در این سناریو، نیروهای اصلی شامل تحولات فناورانه، دولت و شرکت‌های فناوری هستند ولی با توجه به پیشرفت‌های سریع در فناوری، عدم قطعیت این سناریو بسیار بالا است.

پربارکردن سناریوها

در گام ششـــم سناریونویسی شوارتز (۲۰۱۲)، پربارکردن ســـناریوها به معنای افزودن جزئیات و عمق بیشـــتر به ســـناریوهای منتخب است. این مرحله به معنای افزودن جزئیات بیشتر دربارهٔ عوامل داخلی و خارجی، تعاملات پیچیده، تأثیرات اجتماعی، سیاســـی، اقتصادی و فرهنگی، فناوری‌های نوین و موانع و راهکارهای پیش‌رو است تا تحلیل دقیق‌تری از تأثیرات هر عامل در حکمرانی محتوای فضای مجازی ارائه شود. این مرحله، زمینه‌ساز طراحی راهبردهای مؤثر برای مواجهه با هر یک از این سناریوها خواهد بود و به تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کند تا برای شرایط متغیر و پیچیده‌ای که ممکن است در آینده پیش آید، آماده باشند.

حکمرانی متمرکز و سخت‌گیرانه: در این سناریو، نهادهای دولتی با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفتهٔ نظارتـــی، فضای مجازی را به‌طور کامل کنترل می‌کنند. افزون‌بر ایجاد ســـازوکارهای نظارتی پیشرفته، دولت با استفاده از الگوریتم‌های تحلیل داده‌های کلان، رفتار کاربران را رصد کرده و امکان پیش‌بینی الگوهای رفتاری را فراهم می‌آورد و در این راســـتا، نه‌تنها محدودیت‌های فنی مانند فیلترینگ و کاهش پهنای باند برای پلتفرم‌های خارجی تشدید می‌شود، بلکه دولت به‌سمت وضع قوانین سخت‌گیرانه‌تر، تشدید مجازات‌های حقوقی برای تخلفات اینترنتی و اعمال نظارت مستقیم بر ارائه‌دهندگان خدمات دیجیتال داخلی حرکت می‌کند. البته از منظر اجتماعی و فرهنگی، تلاش برای جلوگیری از پلتفرم‌های غربی، می‌تواند مقاومت کاربران را برانگیزد و واکنش‌های مخالفی ایجاد کند. در عرصهٔ بین‌المللی، فشارهای سازمان‌های حقوق بشری برای رعایت آزادی اطلاعات، به‌احتمال زیاد محدودیت‌های بیشتری بر روابط ایران با پلتفرم‌های جهانی تحمیل خواهد کرد. چالش‌های اصلی این رویکرد، ایجاد تعادل میان امنیت ملی و حقوق فردی، به‌ویژه در حفظ حریم خصوصی کاربران و همچنین پیامدهای اجتماعی و اقتصادی محدودیت‌های شدید اینترنتی است.

حکمرانی مدرن و تعامل با پلتفرم‌های جهانی: این ســـناریو بر تعامل سازندهٔ ایران با پلتفرم‌های جهانی مانند اینســـتاگرام، توییتر و یوتیوب متمرکز اســـت. در ایـــن رویکرد، دولت به‌جای سیاســـت‌های ســـخت‌گیرانه، به تدوین و اجرای چارچوب‌های قانونی شفاف می‌پردازد که ضمـــن حفظ منافع ملی، امکان فعالیت پلتفرم‌های خارجی را در کشـــور فراهم می‌کند. این چارچوب‌ها شامل همکاری در حوزهٔ پالایش محتوا، ایجاد دفاتر نمایندگی این پلتفرم‌ها در داخل کشـــور و توسعهٔ فناوری‌های بومی برای نظارت و مدیریت محتوای دیجیتال است و دولت در این رویکرد به‌جای مقابله، به تنظیم چارچوب‌های قانونی و همکاری‌های فناورانه بـــرای هدایت محتوا می‌پردازد. یکـــی از اقدام‌های کلیدی، مذاکره با شـــرکت‌های فناوری بـــرای تعریف خطوط قرمز محتوایـــی و ایجاد مکانیزم‌های تعدیل محتـــوا مطابق با قوانین داخلی اســـت. در عین حال، ســـرمایه‌گذاری در توســـعهٔ ظرفیت‌های فنی برای بهبود امنیت

سایبری، حفظ حریم خصوصی کاربران و پیشگیری از تهدیدهای سایبری نیز در دستور کار قرار می‌گیرد. تغییرات نگرشی در میان نسل جوان و جامعهٔ مدنی، تأثیر به‌سزایی در موفقیت این راهبرد خواهد داشت. از منظر جهانی، همکاری با سایر کشورها در زمینهٔ تنظیم مقررات و فناوری‌های مشترک می‌تواند به اجرای بهتر این سناریو کمک کند. با این حال، هماهنگ‌سازی این مدل حکمرانی با محدودیت‌های داخلی و استانداردهای جهانی، همراه با جلب اعتماد مردم به پلتفرم‌های بین‌المللی، از چالش‌های اصلی این مسیر خواهد بود.

حکمرانی باز و دموکراتیک: در این سناریو، فشارهای اجتماعی و فرهنگی، دولت را به‌سمت کاهش محدودیت‌ها و حرکت به‌سوی آزادی‌های بیشتر در فضای مجازی سوق می‌دهد. این تغییر نه‌تنها شامل کاهش فیلترینگ و محدودیت‌های فنی بر پلتفرم‌های خارجی است، بلکه به اصلاح ساختارهای قانونی مرتبط با آزادی بیان، حمایت از حقوق دیجیتال شهروندان و کاهش نقش نهادهای نظارتی در کنترل فضای مجازی منجر می‌شود. این رویکرد مستلزم کاهش نظارت‌های دولتی و اولویت‌دادن به آزادی بیان و حقوق بشر است و در این مسیر، سیاست‌های جدیدی برای حمایت از رسانه‌های مستقل، پلتفرم‌های محتوای آزاد و تقویت حریم خصوصی کاربران اتخاذ می‌شود و دولت با اجرای این رویکرد، نقش خود را از یک نهاد نظارتی به یک تسهیل‌گر تغییر داده و تمرکز بیشتری بر آموزش سواد رسانه‌ای، مقابله با اخبار جعلی از طریق نهادهای مستقل و ترویج مسئولیت‌پذیری کاربران در فضای مجازی خواهد داشت. تغییرات اجتماعی، به‌ویژه در میان جوانان، نقش مهمی در پذیرش این رویکرد دارد و از منظر جهانی، افزایش فشار برای ایجاد فضای آزادتر، می‌تواند اصلاحاتی را در قوانین داخلی برای تحقق این سناریو تسهیل کند. با این حال، افزایش دسترسی به اطلاعات و محتوای ضدنظام، به‌احتمال زیاد چالش‌هایی در زمینهٔ امنیت ملی ایجاد خواهد کرد. همچنین، استفاده از فضای مجازی به‌عنوان ابزاری برای اعتراض‌های اجتماعی و گروه‌های مخالف، از دیگر چالش‌های این مسیر است.

حکمرانی مختلط با استفاده از فناوری‌های جدید: در این سناریو، دولت ایران از فناوری‌های نوین مانند بلاک‌چین و غیره برای نظارت و تحلیل داده‌ها بهره می‌گیرد. این مدل حکمرانی ترکیبی از کنترل هوشمند و آزادی نسبی را ارائه می‌دهد، به‌گونه‌ای که با بهره‌گیری از الگوریتم‌های یادگیری ماشین و داده‌کاوی، سیاست‌های تنظیم‌گری محتوا به‌صورت هدفمند و کارآمد اجرا می‌شود. دولت همچنین از فناوری‌های رمزنگاری برای افزایش امنیت سایبری و حفاظت از داده‌های کاربران استفاده می‌کند تا اعتماد عمومی به حاکمیت دیجیتال تقویت شود. به‌کارگیری ابزارهای الکترونیک در تشخیص و حذف محتوای مضر، بدون نیاز به فیلترینگ گسترده، امکان مدیریت فضای مجازی را با کمترین مداخلهٔ دولتی فراهم می‌کند. همچنین، توسعهٔ سیستم‌های مبتنی‌بر بلاک‌چین می‌تواند شفافیت در

پـــردازش داده‌هـــا را افزایش داده و از تمرکز بیش از حد قدرت در دســـت نهادهای دولتی جلوگیـــری کند. همکاری‌های فناورانه بین‌المللی، همراه با ایجاد چارچوب‌های مشـــترک، از عوامل موفقیت این رویکرد خواهد بود؛ دولت می‌تواند از طریق تعامل با شـــرکت‌های فناوری خارجی و مشـــارکت در پروژه‌های بین‌المللی، به فناوری‌های پیشـــرفته‌تری برای مدیریت فضای مجازی دست یابد. ولی با این حال، مقاومت اجتماعی در برابر نظارت‌های دیجیتال و نگرانی از نقض حقوق فردی، چالش‌های اصلی پیش‌رو هســـتند. افزون بر این، ســـرمایه‌گذاری کلان برای به‌کارگیری این فناوری‌ها در شرایط محدودیت اقتصادی کشور، از دیگر موانع اجرایی این سناریو به‌شمار می‌رود.

جدول ۲. وضعیت پیشران‌ها در سناریوهای حکمرانی فضای مجازی

نیروها / پیشران‌ها	حکمرانی متمرکز و سخت‌گیرانه	حکمرانی مدرن و تعامل با پلتفرم‌ها	حکمرانی باز و دموکراتیک	حکمرانی مختلط با فناوری نوین
دولت و نهادهای نظارتی	نقش بسیار قوی و کنترل کامل	نظارت هدفمند و همکاری محدود	نظارت حداقلی	نظارت متعادل و فناورانه
پلتفرم‌ها و شرکت‌های فناوری	محدود یا فیلترشده	تعامل و مذاکره	آزادی کامل	همکاری با دولت
جامعهٔ مدنی و کاربران	محدود و منفعل	مشارکت نسبی	مشارکت فعال	مشارکت متعادل
تحولات فناورانه	در خدمت نظارت دولتی	تسهیل‌کنندهٔ توسعه	توانمندسازی کاربران	ابزار اصلی مدیریت
جهانی‌شدن و تغییرات بین‌الملل	فشار زیاد بر دولت برای شفافیت	تأثیر نسبی و قابل مدیریت	تأثیر مثبت در افزایش تعاملات جهانی	تعامل محدود اما سازنده
تحولات اجتماعی و فرهنگی	محدود به ارزش‌های سنتی	تغییرات تدریجی	پذیرش تغییرات فرهنگی گسترده	ترکیب ارزش‌های سنتی و مدرن
تحولات قانونی و حقوقی بین‌المللی	نادیده گرفتن استانداردهای جهانی	هماهنگی نسبی با مقررات بین‌المللی	انطباق کامل با قوانین جهانی	انتخابی و هدفمند در انطباق

شناسایی پیامدها

در گام هفتم سناریونویســـی شـــوارتز (۲۰۱۲)، شناسایی پیامدها شامل تحلیل و پیش‌بینی تأثیرات کوتاه‌مدت و بلندمدت هر سناریو بر حکمرانی محتوای فضای مجازی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاســـی است. این گام به درک جامع از تأثیرات احتمالی هر سناریو، از تغییرات رفتار کاربران و کسب‌وکارهای برخط تا پیامدهای فرهنگی و چالش‌های سیاسی، کمک می‌کند.

حکمرانی متمرکز و ســـخت‌گیرانه: در این سناریو، محدودیت‌های شدید در حکمرانی محتوای فضـــای مجازی پیامدهای متنوعـــی به‌همراه دارد. در بعد اجتماعـــی، کاهش آزادی بیان و

گسترش خودسانسوری در میان کاربران به‌همراه ایجاد شکاف دیجیتالی بین اقشار مختلف جامعه از مهم‌ترین اثرات آن است. همچنین، افزایش استفاده از ابزارهایی مانند VPN برای دسترسی به محتوای فیلترشده نیز پیش‌بینی می‌شود و در بعد اقتصادی، این محدودیت‌ها رشد کسب‌وکارهای دیجیتال را کند کرده و سرمایه‌گذاری خارجی را کاهش می‌دهد. همچنین از منظر فرهنگی، کاهش دسترسی به فرهنگ‌های مختلف جهانی ممکن است به انزوای فرهنگی منجر شود، اما در مقابل می‌تواند هویت ملی را تقویت کند. از نظر سیاسی، سیاست‌های سخت‌گیرانه به‌احتمال زیاد موجب افزایش نارضایتی عمومی و اعتراض‌های اجتماعی شده و فشارهای حقوق بشری بین‌المللی علیه ایران را تشدید خواهد کرد.

حکمرانی مدرن و تعامل با پلتفرم‌های جهانی: این رویکرد با بازکردن فضای حکمرانی و همکاری با پلتفرم‌های بین‌المللی همراه است. پیامدهای اجتماعی آن شامل دسترسی آزادتر به اطلاعات جهانی و تقویت فضای نقد و گفت‌وگو می‌شود که به ارتقای مشارکت عمومی کمک می‌کند و از منظر اقتصادی، رشد کسب‌وکارهای برخط و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، از تأثیرات مثبت آن به‌شمار می‌آید. از منظر فرهنگی، تبادل گسترده با فرهنگ‌های جهانی موجب گسترش دانش و تنوع فرهنگی می‌شود، اما چالش‌هایی برای حفظ سنت‌ها و هویت ملی ایجاد می‌کند. از نظر سیاسی نیز، این سناریو می‌تواند مشروعیت داخلی و بین‌المللی دولت را افزایش داده و فشارهای حقوق بشری بر ایران را کاهش دهد.

حکمرانی باز و دموکراتیک: در این مدل، آزادی بیشتر در دسترسی به اطلاعات و محتوا، به تقویت آزادی‌های فردی و افزایش مشارکت اجتماعی و سیاسی منجر می‌شود. از نظر اقتصادی، رشد چشمگیر در اقتصاد دیجیتال پیش‌بینی می‌شود، اما کسب‌وکارهای داخلی ممکن است در رقابت با پلتفرم‌های جهانی دچار چالش شوند. در بعد فرهنگی، این سیاست آزادی خلاقیت و شکوفایی فرهنگی را به‌همراه دارد، اما در صورت عدم مدیریت صحیح، فرسایش هویت ملی نیز محتمل است. از منظر سیاسی، این سناریو می‌تواند چالش‌هایی در حفظ امنیت ملی ایجاد کرده و مخالفت‌هایی از سوی نهادهای حاکمیتی برانگیزد.

حکمرانی مختلط با استفاده از فناوری‌های جدید: این رویکرد از فناوری‌های نوین برای مدیریت و حکمرانی محتوا بهره می‌گیرد. از نظر اقتصادی، فناوری‌هایی مانند بلاک‌چین و هوش مصنوعی می‌توانند بازارهای نوآورانه‌ای ایجاد کنند، اما هزینه‌های بالای پیاده‌سازی، مانعی جدی خواهد بود. از منظر فرهنگی، استفاده از فناوری‌ها می‌تواند مداخلات فرهنگی خارجی را کاهش دهد، اما نگرانی‌های اخلاقی و حریم خصوصی به‌وجود خواهد آمد. سرانجام در بعد سیاسی، این سناریو امکان تقویت حکمرانی دیجیتال را فراهم می‌کند، اما ممکن است با اعتراض‌های سیاسی و اجتماعی مواجه شود.

انتخاب شاخص‌ها و علائم راهنما

در گام هشتم سناریونویسی شوارتز (۲۰۱۲)، انتخاب شاخص‌ها و علائم راهنما به معنای شناسایی عواملی است که می‌توانند روند تغییرات و تحولات حکمرانی محتوای فضای مجازی در ایران را در آینده پیش‌بینی کنند. این شاخص‌ها و علائم راهنما به تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران کمک می‌کنند تا وضعیت فعلی را ارزیابی کرده و براساس آن، پیش‌بینی‌هایی برای آینده داشته باشند. در این راستا، در این پژوهش، شاخص‌ها و علائم راهنما که با کدهای مستخرج از پاسخ‌گویان و همچنین تحلیل‌های کتابخانه‌ای به‌دست آمده بودند، به چهار دستهٔ اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تقسیم شده‌اند که عبارتند از:

شاخص‌ها و علائم اجتماعی: نرخ دسترسی به اینترنت و فضای مجازی در ایران به‌ویژه از طریق ضریب نفوذ اینترنت، که یکی از مهم‌ترین معیارهای بررسی دسترسی کاربران است، نشان‌دهندهٔ تغییرات قابل‌توجهی است. طبق گزارش سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، ضریب نفوذ اینترنت پهن‌باند ثابت طی یک سال کاهش اندکی از ۱۳/۰۸ درصد در پاییز ۱۴۰۱ به ۱۲/۹ درصد در پاییز ۱۴۰۲ داشته است، که می‌تواند به کاهش استقبال کاربران از اینترنت ثابت یا محدودیت‌های زیرساختی اشاره داشته باشد. در مقابل، ضریب نفوذ اینترنت پهن‌باند سیار با رشد ۵/۷۱ درصدی از ۱۲۰/۸۷ درصد در پاییز ۱۴۰۱ به ۱۲۷/۷۷درصد در پاییز ۱۴۰۲ رسیده است (ایسنا، ۱۴۰۳)، که این رشد ممکن است ناشی از بهبود دسترسی به اینترنت سیار و افزایش استفاده از تلفن‌های همراه هوشمند باشد. همچنین، گسترش فیلترینگ در شبکه‌های اجتماعی باعث افزایش استفاده از فیلترشکن‌ها شده است، به‌طوری که طبق گزارش یکتانت، ۸۰ درصد کاربران ایرانی برای دسترسی به شبکه‌های فیلترشده از VPN استفاده می‌کنند و این روند منجر به شکل‌گیری یک بازار غیررسمی با گردش مالی ۲۵ تا ۳۰ هزار میلیارد تومانی برای خرید و فروش VPNها شده است (تابناک، ۱۴۰۲). افزون بر این، مشارکت ایرانیان در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها از آذر ۱۳۹۴ تا شهریور ۱۴۰۳ به ۸۲/۲ درصد رسیده است (اکوایران، ۱۴۰۳)، که نشان‌دهندهٔ افزایش استقبال از پلتفرم‌های دیجیتال، حتی در شرایط محدودیت‌ها و فیلترینگ است. این روندها به‌وضوح بیانگر تأثیرگذاری عمیق فضای مجازی بر زندگی روزمره کاربران ایرانی و لزوم بازنگری در سیاست‌های حکمرانی محتوا است.

شاخص‌ها و علائم اقتصادی: تحلیل کسب‌وکارهای برخط و استارتاپ‌های دیجیتال به‌عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی در بررسی ابعاد اقتصادی حکمرانی محتوای فضای مجازی در ایران، نشان‌دهندهٔ نقش حیاتی این حوزه در رشد اقتصادی کشور است. بازار تجارت الکترونیک ایران در سال ۲۰۲۳ به حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان رسیده است، که نشان‌دهندهٔ نفوذ قابل‌توجه اقتصاد دیجیتال در ساختار اقتصادی کشور است و تأکید دارد که کاربران

ایرانـــی افـــزون بر اســـتفاده از فضای مجازی بـــرای تعاملات اجتماعـــی و فرهنگی، آن را به بســـتری برای تجارت و کســـب‌وکار تبدیل کرده‌اند. پیش‌بینی می‌شـــود که بازار تجارت الکترونیک ایران تا سال ۲۰۲۵ با رشد سالانهٔ ۲۵ درصدی همراه باشد، که این رشد ناشی از افزایش دسترســـی به اینترنت، گسترش استفاده از دستگاه‌های هوشمند و تمایل روزافزون به خرید برخط است (شادان، ۱۴۰۳). همچنین، سیاست‌های حمایتی دولت از استارتاپ‌ها و نوآوری‌های دیجیتال، اگرچه با محدودیت‌هایی روبه‌رو است، به توسعهٔ این بخش کمک کرده اســـت. این شـــاخص‌ها پتانســـیل بالای فضای مجازی برای رشـــد اقتصادی و ایجاد اشـــتغال در ایران را نشـــان می‌دهند، اما محدودیت‌های زیرســـاختی، قوانین محدودکننده و چالش‌هـــای نظارتـــی می‌توانند مانع توســـعهٔ پایدار این حوزه شـــوند. بنابراین، طراحی سیاســـت‌های حکمرانی هوشـــمندانه و حمایت از نوآوری‌های دیجیتال برای تسریع رشد اقتصادی مبتنی‌بر فضای مجازی ضروری است.

شـــاخص‌ها و علائم فرهنگی: در فضای مجازی ایران، تنوع محتوای تولیدی، میزان تبلیغات و محتوای فرهنگی دولتی و نرخ شکایت‌های کاربران، به‌عنوان شاخص‌های فرهنگی کلیدی، بازتاب‌دهندهٔ تغییـــرات عمیق در الگوهای ارتباطی، سیاســـت‌گذاری فرهنگی و تعاملات اجتماعی هستند. تنوع محتوای تولیدی تحت تأثیر جهانی‌شدن و فضای مجازی نشان‌دهندهٔ گســـترش موضوعات مختلف به زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون اســـت که می‌تواند بیانگر افزایش دسترســـی به ابزارهای تولید محتوا، رشـــد کاربران خلاق و کاهش محدودیت‌های زبانـــی و فرهنگی باشـــد (نجات‌پور و میلانی، ۱۴۰۲). از ســـوی دیگر، نرخ شـــکایت‌ها و اعتراض‌های دیجیتال نســـبت‌به محتوای محدود یا سانسورشـــده، شاخصی برای ارزیابی حساســـیت عمومی و میزان رضایت از حکمرانی دیجیتال اســـت که در این راستا افزایش این اعتراض‌ها بیانگر نارضایتی عمومی و کاهش مشـــروعیت سیاست‌ها است (اندیشکدهٔ حکمرانی شریف، ۱۴۰۳).

شـــاخص‌ها و علائم فرهنگی: تغییـــرات در قوانیـــن و مقررات فضای مجـــازی، حمایت‌های بین‌المللی یا فشـــارهای حقوق بشری و شکل‌گیری ائتلاف‌های سیاسی مرتبط با حکمرانی دیجیتال، ســـه عامل کلیدی در تحلیل سیاست‌های فضای مجازی ایران محسوب می‌شوند. اصلاحـــات قانونی در حوزه‌هایـــی چون فیلترینگ، حقوق دیجیتـــال و حفاظت از داده‌ها، بازتابی از جهت‌گیری‌های کلان حکمرانی اســـت که می‌تواند نشان‌دهندهٔ حرکت به‌سمت شـــفافیت و مشـــارکت مدنی یا، در مقابل، تقویت کنترل‌گرایی باشـــد (باقرزاده، ۱۴۰۰). از ســـوی دیگر، نوع و شـــدت حمایت‌ها یا فشـــارهای بین‌المللی در حوزهٔ حقوق دیجیتال و آزادی اینترنت، جایگاه ایران در تعامل با استانداردهای جهانی را مشخص می‌کند. افزایش فشـــارهای بین‌المللی ممکن اســـت چالش‌هایی در روابط دیپلماتیـــک ایجاد کند (ضیایی

و شـکیب‌نژاد، ۱۳۹۶). همچنیـن، تعداد و نوع ائتلاف‌های سیاسـی مرتبـط با حکمرانی محتوای دیجیتال، شاخصی برای تحلیل تحولات داخلی و تعاملات خارجی است و ظهور ائتلاف‌های جدید با محوریت موضوعاتی چون حریم خصوصی، امنیت سایبری و آزادی بیان می‌تواند نمایانگر تغییر اولویت‌های سیاسی و تلاش برای تطابق با نیازهای اجتماعی و الزامـات بین‌المللی باشـد (عطاردی و زیبنده، ۱۴۰۱). بنابرایـن، این عوامل، به‌صورت هم‌افزا، مسیر آیندهٔ حکمرانی فضای مجازی در ایران را شکل می‌دهند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشـان می‌دهد که سـناریوهای طراحی‌شـده در این پژوهش شامل چهار مسیر احتمالی برای حکمرانی محتوای فضای مجازی در ایران هستند که عبارتند از: حکمرانی متمرکز و سـخت‌گیرانه، حکمرانی مدرن و تعامل با پلتفرم‌های جهانی، حکمرانی باز و دموکراتیک و حکمرانی مختلط با اسـتفاده از فناوری‌های نوین. این سـناریوها براساس شناسایی و تحلیل عوامل کلیدی نظیر نقش دولت و نهادهای نظارتی، پیشرفت‌های فناورانه، فشارهای بین‌المللی و تغییـرات اجتماعی و فرهنگی شـکل گرفته‌اند. متغیرهای محرک اصلی شـامل میزان کنترل دولت، تعامل با پلتفرم‌های بین‌المللی، تأثیرات جهانی و فناوری‌های نوین و تحولات فرهنگی و اجتماعی داخلی است که در شکل‌دهی به این سناریوها نقش اساسی داشته‌اند. همچنین، در سناریوهای طراحی‌شده برای حکمرانی محتوای فضای مجازی در ایران، تأثیرات، احتمالات و پیامدها به‌طور تطبیقی مقایسـه شـده‌اند. در سـناریوی "حکمرانی متمرکز و سخت‌گیرانه"، تأکید بر کنترل شـدید محتوا و اعمال نظارت دقیق اسـت که می‌توانـد به کاهش آزادی بیان و خودسانسـوری کاربران منجر شـود، اما در عین حال، احتمال تقویت امنیت ملی و جلوگیری از نفوذ فرهنگ‌های خارجی وجود دارد. در مقابل، سـناریوی "حکمرانی باز و دموکراتیک" با اولویـت‌دادن به آزادی‌های دیجیتال و کاهش دخالت دولت، پیامدهایی چون افزایش نوآوری، تعامـلات اجتماعـی بازتر و تقویت مشـارکت مدنـی را به‌همراه دارد، هرچند ممکن اسـت چالش‌هایی در زمینهٔ امنیت ملی ایجاد کند. سـناریوی "حکمرانی مدرن و تعامل با پلتفرم‌های جهانی" و "حکمرانی مختلط با استفاده از فناوری‌های نوین" رویکردهایی بینابین اتخاذ می‌کنند کـه در آن‌هـا تعادل میان نظارت دولتی و آزادی کاربران مورد توجه اسـت، با پیامدهایی مانند تقویت اعتماد عمومی و بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته برای مدیریت محتوا.

شباهت‌ها و تفاوت‌ها میان این سناریوها به‌طور عمده به میزان دخالت دولت، نوع تعامل با پلتفرم‌های بین‌المللی و تأثیر تحولات فناورانه و اجتماعی وابسـته است. سناریوهای "متمرکز" و "باز" در دو سوی طیف کنترل و آزادی قرار دارند، در حالی که سناریوهای "مدرن" و "مختلط" ترکیبی از ویژگی‌های این دو را ارائه می‌دهند. نتایج احتمالی در سناریوی متمرکز شامل کاهش

تعاملات جهانی و محدودیت‌های گسترده در تولید محتوا است، در حالی که در سناریوی باز، احتمال رشد اقتصادی و توسعهٔ فرهنگی بیشتر خواهد بود. در سناریوی مدرن، تقویت همکاری‌های بین‌المللی و توسعهٔ پایدار دیجیتال پیش‌بینی می‌شود و در سناریوی مختلط، استفاده از فناوری‌های نوین می‌تواند به مدیریت هوشمندتر و کارآمدتر فضای مجازی کمک کند، هرچند نگرانی‌هایی دربارهٔ حریم خصوصی و مقاومت اجتماعی در برابر نظارت وجود دارد. از سوی دیگر، ارزیابی عدم قطعیت‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای نامطمئنی مانند میزان پیشرفت فناوری واکنش کاربران به سیاست‌های نظارتی و فشارهای بین‌المللی بیشترین تأثیر را بر شکل‌گیری آیندهٔ حکمرانی محتوای فضای مجازی در ایران دارند. پیشرفت‌های فناوری، به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند هوش مصنوعی و بلاک‌چین، می‌توانند نحوهٔ نظارت و مدیریت محتوا را دگرگون کنند. از سوی دیگر واکنش کاربران، شامل پذیرش یا مقاومت نسبت‌به سیاست‌های دولتی، می‌تواند تغییرات معناداری در اثربخشی این سیاست‌ها ایجاد کند. همچنین، فشارهای بین‌المللی در زمینهٔ حقوق دیجیتال و آزادی بیان، با تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های داخلی، نقشی کلیدی در جهت‌دهی به حکمرانی فضای مجازی خواهند داشت.

برای ارزیابی احتمال وقوع سناریوهای طراحی‌شده، نظرات خبرگان و روندهای کنونی در حکمرانی محتوای فضای مجازی بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد سناریوی حکمرانی مدرن و تعامل با پلتفرم‌های جهانی به‌دلیل نیاز دولت چهاردهم به مدیریت بهتر محتوا و همکاری با پلتفرم‌های خارجی، محتمل‌ترین است. همچنین، حکمرانی متمرکز و سخت‌گیرانه به‌دلیل ساختار کنونی حکمرانی و تمرکز بر کنترل، به‌ویژه در شرایط بحرانی بین‌المللی موجود، احتمال وقوع بالایی دارد. همچنین، سناریوی حکمرانی مختلط با استفاده از فناوری‌های نوین احتمال متوسطی دارد زیرا تحقق آن به توسعهٔ فناوری و زیرساخت‌ها وابسته است؛ امری که با توجه به شرایط تحریمی موجود چندان مساعد به‌نظر نمی‌رسد. سرانجام، حکمرانی باز و دموکراتیک به‌دلیل تضاد با الگوهای موجود و محدودیت‌های داخلی، کمترین احتمال را دارد، هرچند فشارهای بین‌المللی و تغییرات فرهنگی ممکن است در بلندمدت به‌وقوع آن کمک کنند.

پیامدهای عملی هر یک از سناریوهای حکمرانی محتوای فضای مجازی نشان‌دهندهٔ چالش‌ها و فرصت‌های خاصی برای تصمیم‌گیران است. در سناریوی "حکمرانی متمرکز و سخت‌گیرانه"، پیامدهایی مانند کاهش آزادی بیان، گسترش شکاف دیجیتال و احتمال افزایش نارضایتی عمومی وجود دارد. این سناریو می‌تواند برای تقویت امنیت ملی مفید باشد، اما ممکن است به کاهش اعتماد کاربران و کسب‌وکارهای دیجیتال منجر شود. در مقابل، سناریوی "حکمرانی باز و دموکراتیک" با اولویت‌دادن به آزادی‌های دیجیتال و مشارکت عمومی، پیامدهایی چون افزایش نوآوری، رشد اقتصادی و تقویت تعاملات اجتماعی را به‌همراه دارد، هرچند ممکن است چالش‌هایی در حفظ امنیت سایبری ایجاد کند. سناریوهای "مدرن"

و "مختلط" نیز از طریق ترکیب فناوری‌های نوین و تعاملات جهانی، فضایی برای توسعهٔ پایدار دیجیتال و بهبود حکمرانی فراهم می‌کنند، اما نیازمند مدیریت هوشمندانه برای کاهش ریسک‌های مرتبط با نظارت و حفظ حریم خصوصی هستند.

ارزیابی انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری نشان می‌دهد که سیستم‌ها، سازمان‌ها و جوامع می‌توانند با اتخاذ رویکردهای تطبیقی در برابر تغییرات غیرمنتظره در هر سناریو، پایداری خود را حفظ کنند. در سناریوی "حکمرانی متمرکز و سخت‌گیرانه"، انعطاف‌پذیری از طریق تقویت زیرساخت‌های دیجیتال و توسعهٔ ظرفیت‌های نظارتی هوشمند امکان‌پذیر است، در حالی که جوامع می‌توانند با بهره‌گیری از ابزارهای نوین، مقاومت خود را در برابر محدودیت‌ها افزایش دهند. در سناریوی "حکمرانی باز و دموکراتیک"، تاب‌آوری سازمان‌ها به توانایی آن‌ها در مدیریت تعادل میان آزادی و امنیت وابسته است و جوامع نیز می‌توانند با ارتقای سطح آگاهی عمومی و مهارت‌های دیجیتال، سازگاری بیشتری نشان دهند. در سناریوهای "مدرن" و "مختلط"، استفاده از فناوری‌های پیشرفته و تقویت همکاری‌های بین‌سازمانی و بین‌المللی، می‌تواند سیستم‌ها و سازمان‌ها را برای مواجهه با تغییرات پیش‌بینی‌نشده آماده‌تر کند. این ارزیابی نشان می‌دهد که ایجاد ساختارهای منعطف و انطباق‌پذیر، کلید ارتقای تاب‌آوری در برابر تغییرات سریع فضای مجازی است.

منابع

اکوایران (۱۴۰۳). تازه‌ترین آمار میزان استفاده ایرانیان از پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی. اکوایران. بازیابی‌شده از https://www.ecoiran.com

اندیشکده حکمرانی شریف (۱۴۰۳). اینترنت از نگاه مردم. بازیابی‌شده از https://gptt.ir/uploads/Internet_Ver4_Final.pdf

ایسنا (۱۴۰۳). اعلام آخرین وضعیت ضریب نفوذ اینترنت در کشور/ اختصاص بسته اینترنتی به معلم‌ها. بازیابی‌شده در تاریخ ۳۰ آذر ۱۴۰۳، از https://www.isna.ir/xdR342

تابناک (۱۴۰۲). آمار حیرت‌انگیز استفاده از فیلترشکن در کشور. بازیابی‌شده از: https://www.tabnak.ir/004zZD

خجسته باقرزاده، حسن (۱۴۰۰). بررسی تضاد رفتاری ذینفعان اصلی کاربری فضای مجازی. دین و سیاست فرهنگی، ۸(۲)، ۷-۳۲.

خرازی‌آذر، رها (۱۳۹۳). دیپلماسی رسانه‌ای؛ چالش‌ها و تعاملات رسانه‌ها و دستگاه‌های دیپلماتیک. رسانه، ۲۵(۲)، ۴۷-۶۷. dor: 20.1001.1.10227180.1393.25.2.3.7

سعد، علی (۱۳۹۴). درآمدی بر سیاست‌های فیلترینگ سایت‌های اینترنتی. مطالعات رسانه‌های نوین، ۱(۲)، ۱۴۵-۱۶۵. https://doi.org/10.22054/cs.2015.4525

شادان (۱۴۰۳). اندازه بازار استارتاپ‌های فناوری در ایران. اس دیتا. بازیابی‌شده از https://B2n.ir/g98538

ضیایی، سید یاسر و شکیب‌نژاد، احسان (۱۳۹۶). قانونگذاری در فضای سایبر: رویکرد حقوق بین‌الملل و حقوق ایران. مجله حقوقی بین‌المللی، ۳۴(۵۷)، ۲۲۷-۲۴۹. Doi:10.22066/cilamag.2017.27971

عطاردی، محمدرضا و زیبنده، حسین (۱۴۰۱). تبیین تغییر در خط‌مشی‌های فضای مجازی جمهوری اسلامی

ایـران مبتنی بر چارچوب ائتلاف مدافع (مورد مطالعه: خط‌مشـی تعیین پهنای بانـد اینترنت ثابت). مدیریت دولتی، ۱۴(۲)، ۲۳۵-۲۵۶. doi: 10.22059/jipa.2022.341536.3134

فیروزآبادی، سید ابوالحسن و احمدآبادی آزادی، جواد (۱۳۹۹). تحلیل پیشینه حکمرانی فضای مجازی جمهوری اسلامی ایران. مجله دانش سیاسی، ۱۶(۲)، ۵۶۳-۵۹۸. doi: 10.30497/pk.2020.75410

قلی‌زاده، محمدعلی؛ خانیکی، هادی، راد، فیروز و محمدزاده، مرتضی (۱۴۰۲). روندها و بایسـته‌های سیاسـت رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در حوزهٔ فضای مجازی. رسانه، ۳۴(۱)، ۵-۲۲.

doi:10.22034/bmsp.2022.325941.1679

نجات‌پـور، مجیـد و میلانی، جمیل (۱۴۰۲). چالش‌های هویت فرهنگی ایرانی در فرایند جهانی شـدن و فضای مجازی. مطالعات شناخت سیاسی اجتماعی، ۱(۱)، ۴۲-۶۰.

Atarodi, M. R., & zibandeh, H. (2022). Explaining the Change in Iran's Cyberspace Policies based on the Advocacy Coalition Framework (Case Study: Fixed Internet Bandwidth Policy Determination). *Public Administration*, 14(2),235-256. **[In Persian]** https://doi.org/10.22059/JIPA.2022.341536.3134

Bauman, Z. (2013). *Liquid Modernity*. Germany: Polity Press.

Benkler, Y. (2006). *The Wealth of Networks: How Social Production Transforms Markets and Freedom*. Ukraine: Yale University Press.

Carr, N. (2020). *The Shallows: What the Internet Is Doing to Our Brains*. United Kingdom: WW Norton.

Castells, M. (2011). *The Rise of the Network Society*. Germany: Wiley.

EcoIran. (2024). Latest statistics on Iranians' use of messaging applications and social media platforms. EcoIran. Retrieved from https://www.ecoiran.com **[In Persian]**

Firouzabadi,S. A., & Ahmadabadi Azadi, J. (2020). Analysis of the history of cyberspace governance in Islamic Republic of Iran. *Political Knowledge*, 16(2), 563-598. **[In Persian]** https://doi.org/10.30497/pk.2020.75410

Gholizadeh, M. A., khaniki, H. Rad, F., & Mohammadzadeh, M. (2023). Trends and Requirements of the IRI Media Policy in the Field of Cyberspace. *Rasaneh*, 34(1), 5-22. **[In Persian]** doi:10.22034/bmsp.2022.325941.1679

ISNA. (2024). Announcement of the latest status of internet penetration in the country / Allocation of internet packages to teachers. Retrieved December 20, 2024, from https://www.isna.ir/xdR342 **[In Persian]**

Khojasteh-Bagherzadeh, H. (2021). Examining the behavioral contradictions of key stakeholders in cyberspace usage. *Religion and Cultural Policy Research*, 8(2), 7–32. **[In Persian]**

Kharazi-Azar, R. (2014). Media Diplomacy: Challenges and Interactions of Media and Diplomatic. *Rasaneh*, 25(2), 47-67. **[In Persian]** dor: 20.1001.1.10227180.1393.25.2.3.7

Lessig, L. (2016). *Code: And Other Laws of Cyberspace*. (n.p.): Create Space Independent Publishing Platform.

Mueller, M. L. (2010). Networks and States: The Global Politics of Internet Governance. Ukraine: MIT Press. https://doi.org/10.7551/mitpress/9780262014595.001.0001

Nejatpour, M., & Milani, J. (2023). Challenges to Iranian cultural identity in the process of globalization and cyberspace. *Socio-Political Cognitive Studies*, 1(1), 42–60. **[In Persian]**

Nye, J. S. (2009). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. United Kingdom: Public Affairs.

Sa'd, A. (2015). An Introduction to Filtering Policies of Websites. *New Media Studies*, 1(2), 141-165. **[In Persian]** https://doi.org/10.22054/cs.2015.4525

Schwartz, P. (2012). *The Art of the Long View: Planning for the Future in an Uncertain World*. (n.p.): Crown Business.

Shadan, S. (2024). The market size of technology startups in Iran. SData. Retrieved from https://B2n.ir/g98538 **[In Persian]**

Sharif Governance Think Tank. (2024). The Internet from the people's perspective. Retrieved from. **[In Persian]** https://gptt.ir/uploads/Internet_Ver4_Final.pdf

Tabnak. (2023). Surprising statistics on VPN usage in the country.

Ziaei,Y., & Shakibnejad, E. (2017). Legislation in Cyberspace from the Prospect of International Law and the Iranian Law. International *Law Review*, 34(57), 227-249. **[In Persian]** https://doi.org/10.22066/cilamag.2017.27971

Zuboff, S. (2019). *The Age of Surveillance Capitalism: The Fight for a Human Future at the New Frontier of Power: Barack Obama's Books of 2019*. United Kingdom: Profile.

© Authors, Published by Department of Media Development Education. This is an open-access paper distributed under the CC BY (license http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی